

الگوی مدیریتی امام خمینی علیه السلام در حل بحران‌های جمهوری اسلامی ایران

* محمد شاه‌سنایی
** محمدجواد نوروزی
*** حسین ارجینی
**** علیرضا نائج

چکیده

پژوهش پیش‌رو با طرح این پرسش اساسی که الگوی مدیریتی امام خمینی علیه السلام در حل بحران چیست این فرضیه را مطرح نموده که الگوی مدیریتی ایشان، از یک چرخه فکری، نشئت گرفته و بر پایه مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و تبعیت از اصولی چون خدامحوری، مردم‌محوری، قانون‌مداری، توجه به اصول اخلاقی و رعایت مصالح نظام اسلامی بنا شده است و اهدافی چون رشد و تعالی جامعه، حفظ نظام اسلامی و تأمین امنیت را تعقیب می‌نماید. مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با تأمل در آثاری که سیره امام خمینی در مواجهه با بحران در آنها مندرج است؛ کوشیده است با تحلیل اطلاعات، فرضیه تحقیق را اثبات نماید. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی بر پایه ایدئولوژی خاصی متمایز از الگوی لیبرالیسم و مارکسیسم سامان یافته است از این‌رو شیوه ارائه الگوی مدیریت بحران نیز منبعث از همان ایدئولوژی خواهد بود.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، الگو، مدیریت بحران، جمهوری اسلامی.

** دانش‌آموخته دکتری دانشگاه معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی. sanai.mohammad@yahoo.com
*** دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و مدرس گروه معارف اسلامی. mohamadjavadnorozii@yahoo.com
**** استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. arjini@maaref.ac.ir
***** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. alireza128@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۱

طرح مسئله

هر جامعه‌ای در فرآیند تحولات و روند رو به رشد خود با بحران‌های فراوانی روبرو می‌گردد. بی‌تردید جوامع دینی نیز از این قاعده مستثنا نمی‌باشند. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز همانند همه جوامع، در گذر زمان با بحران‌های زیادی مواجه بوده و خواهد بود. در اندیشه توحیدی وقوع بحران در جوامع، سنتی الهی است که موجب آزمون افراد شده و برآیند آن رشد اجتماعی آنان خواهد بود. اما نکته مهم در بحران، چگونگی مواجهه و حل آن است. در این زمینه می‌توان به الگوهای مختلفی که ناشی از مطالعه استقرایی بحران‌ها در گذر تاریخ است، اشاره نمود. اما با دقت در این بحران‌ها و تأملات نظری که مأخوذ از حل این بحران‌ها از سوی نظریه‌پردازان و رهبران سیاسی است می‌توان دریافت که روش مواجهه و حل بحران از سوی امام خمینی، متمایز از روش حل بحران در جوامع دیگر و ایدئولوژی‌های دیگر است.

تحقیق حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای است ضمن اشاره به برخی از الگوهای رایج در مدیریت بحران، با بررسی مهمترین بحران‌های زمان حضرت امام به تبیین الگوی مدیریت بحران ایشان خواهد پرداخت. لذا پرسش اساسی پژوهش حاضر آن است که الگوی مدیریتی امام خمینی در حل بحران‌های جمهوری اسلامی چیست؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد امام خمینی در مدیریت بحران، الگوی نوینی را ارائه نمودند که متأثر از مبانی سه‌گانه معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی که ناشی از داده‌های منابع دینی است و تبعیت از اصولی متمایز از آنچه در دنیای امروز شناخته شده است بوده که لاجرم اهداف متفاوتی را به دنبال داشت.

۱. رهیافت نظری تحقیق

تبیین الگوی مدیریتی امام خمینی در فرآیند کنترل و مدیریت بحران‌های سیاسی، مستلزم بررسی مفهوم‌شناسی است.

یک. بحران

بحران در لغت به معنای «آشفته‌گی و تغییر حالت ناگهانی» است (عمید، ۱۳۸۹: ۱ / ۴۷۵) و در اصطلاح، آمیزه‌ای از سه عنصر؛ تهدید یا فرصت، کوتاهی زمان موجود و میزان فشار روحی وارده می‌باشد. موقعیت‌های بحرانی همواره اهداف واحد تصمیم‌گیری را به خطر انداخته و مدت زمان موجود برای پاسخ‌دهی پیش از تغییر دادن تصمیم را محدود و تصمیم‌گیران را غافل‌گیر می‌کنند. (تاجیک و مک کارتی، ۱۳۸۱: ۱۳۲) برخی معتقدند هنگامی که ظرفیت‌های عمومی یک نظام مثل

تکنولوژی، ظرفیت فرهنگی، منابع انسانی، میزان انعطاف، آسیب‌پذیری، میزان دخالت متغیرهای بیرونی و حجم بحران‌های بالقوه کمتر باشد، با یک بحران سروکار داریم. (ربیعی، ۱۳۸۵: ۷۷) با توجه به آنچه در خصوص بحران بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که بحران دارای سه مؤلفه اصلی است: الف) محدودیت زمانی برای تصمیم‌گیری؛ ب) غافل‌گیری؛ ج) مخاطره‌آفرینی.

دو. مدیریت بحران

مدیریت بحران به برنامه‌ریزی، اداره، کنترل، مهار و هدایت بحران‌های رخ داده شده و پیش‌رو، پس از شناخت وضعیت موجود و تهدیدها و فرصت‌های کنونی و پیش‌رو و آنالیز و تحلیل امکانات بالقوه و بالفعل برای حداکثر بهره‌وری و حداقل آسیب، مدیریت بحران می‌گویند. (امیرکبیری، ۱۳۷۶: ۳۲) به عبارتی دیگر می‌توان گفت که مدیریت بحران، فرآیندی است که طی آن می‌توان در راستای پیش‌بینی یا پیشگیری از وقوع بحران و کاهش اثرات و آسیب‌های بعد از وقوع آن تلاش نمود.

سه. الگو

در معنای عرفی، الگو معمولاً به نمونه کوچکی از یک شیء گفته می‌شود که ویژگی‌های مهم و اصلی آن شیء را داشته باشد. الگو یا مدل، طرحی است که با استفاده از آن می‌توان هر چیزی یا قسمتی از آن را تولید نمود. همچنین مدل می‌تواند یک شکل پیچیده را به صورت آسان و قابل درک ارائه کند. در واقع مدل، جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است. (گرچی و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۳) از الگو تعاریف مختلفی ارائه شده است، اما همه آنها را می‌توان در دو قالب طبقه‌بندی کرد.

الف) تعریف‌های فرآیندی؛ تعریف فرآیندی الگو، مراحل و فرآیند به نتیجه رسیدن را نشان می‌دهد. در واقع الگوهای فرآیندی کمک می‌کنند تا راه چگونگی به نتیجه رسیدن را نشان دهد و اگر گام به گام بر اساس آن الگو پیش رویم، در نهایت به نتیجه مطلوب دست پیدا می‌کنیم.

ب) تعریف‌های برآیندی؛ این دسته از تعاریف در موضوعی مشخص، مجموعه نتایج و راهکارهایی را به ما ارائه می‌دهند که از میان آنها انتخاب صورت می‌گیرد. به بیان دیگر این تعاریف از الگو بر خلاف تعاریف فرآیندی، مسیر رسیدن به نتیجه را ترسیم نمی‌کنند، بلکه نتیجه را بیان می‌کنند. به‌طور مثال در سیاست‌گذاری فرهنگی، فرهنگ مطلوب را به‌عنوان یک الگوی نتیجه‌ای ترسیم نموده و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی می‌کنیم. (اعرابی، ۱۳۹۲: ۱۳۲)

منظور از الگو در نوشتار حاضر همان تعریف فرآیندی از الگو است. به عبارتی دیگر الگو در این

نوشته مشتمل بر چرخه‌ای است که دارای مراحل مختلف بوده و وجود همه عناصر در آن، به شکل‌گیری الگو منجر می‌شود. براین اساس الگو، از مبانی تا اهداف را دربرگرفته و با در نظر گرفتن اصول خاصی که منطبق بر قوانین و احکام اسلام است، اهداف مشخصی را در راستای مدیریت هر چه بهتر بحران، دنبال خواهد نمود.

۲. چارچوب نظری بحث

در زمینه مدیریت بحران، تاکنون نظریات مختلفی مطرح شده است. تیری و میتروف معتقدند که الگوی مدیریت بحران، دارای پنج مرحله مشخص است: ۱. شناسایی و ردگیری علائم؛ ۲. آمادگی و پیشگیری؛ ۳. مهار ویرانی؛ ۴. بهبود؛ ۵. یادگیری. در این مدل، مراحل اول و دوم، متناظر به قبل از بحران و مراحل سوم و چهارم به بعد از وقوع بحران مربوط می‌شود. (میتروف، ۲۰۰۱: ۱۶)

مدل مدیریت جامع بحران، الگوی دیگری است که از سوی روشن دل اربطانی و همکاران ارائه شده و در بردارنده چهار مرحله قبل از بحران، شروع، حین و بعد از بحران است و هر کدام از این مراحل نیز، خود دارای چند گام اساسی است. (روشن دل اربطانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰) مرحله قبل از بحران خود شامل دو گام پیش‌بینی و آمادگی است. مرحله شروع بحران نیز مشتمل بر سه بخش هشدار، ارزیابی و بسیج منابع می‌باشد. مرحله حین بحران شامل سه بخش امداد و نجات، عملیات ویژه و مهارسازی است. آخرین مرحله نیز در این الگو مرحله پس از بحران است که خود در بر دارنده سه گام بازبایی، بازسازی و یادگیری است.

میتروف و شریو استاوا^۱ نیز با طرح مدل لایه‌ای کوشیده اند با بهره‌گیری از «تمثیل پیاز»، بحران را در چند لایه در چارچوب مدل تبیین نمایند. لایه اول از بیرون به برنامه‌ها، راهبردها و فناوری سازمانی اشاره می‌کند. لایه دوم که به ساختار سازمانی معروف است، فعالیت‌ها و سیاست‌های سازمان را ارائه داده و با تقسیم وظایف، ارائه اطلاعات و حمایت‌های سازمانی یک بحران در شرف وقوع را بررسی و هدایت می‌کند. لایه سوم که به آن فرهنگ سازمانی گفته می‌شود، به مشکلات مدیریت بحران اشاره می‌کند که از مهمترین آنها می‌توان به منابع خبری غیر معتبر و غیر قابل پیش‌بینی بودن بحران اشاره نمود. لایه چهارم نیز به باورها و سازوکارهای دفاعی افراد اعم از مدیران و سایر عوامل بحران برمی‌گردد. (میتروف و شریو استاوا، ۱۹۷۸: ۶۰)

لچات^۲ نیز در پژوهشی با عنوان دهه بین‌المللی برای کاهش بلایای طبیعی کوشیده است چرخه

1. Mitroff, Ian I.; Paul Shrivastava.

2. Leechat.

مدیریت بحران را متشکل از پنج مرحله انتظار، اعلام خطر، نجات، عادی سازی و توان بخشی بررسی نماید. بر اساس این الگو، مکانیسم مدیریت بحران با انتظار برای بحران یا پیش بینی بحران، آغاز می‌شود. در مرحله دوم با اعلام خطر به مردم و همه عوامل درگیر بحران، تلاش می‌شود اطلاع رسانی به موقع انجام گیرد. در مرحله سوم، عوامل دخیل در مدیریت بحران سعی می‌نمایند که آسیب دیدگان از بحران را نجات دهند. در مرحله چهارم نیز تلاش می‌شود که اوضاع به حالت اول برگشته و نهایتاً در مرحله آخر با توان بخشی به سیستم آسیب دیده و بحران زده این چرخه خاتمه می‌یابد. (لجات، ۱۹۹۰: ۱۴)

پیرسون و میتراف^۱ با طرح مدل پنج مرحله‌ای تشخیص، آمادگی، فرونشاندن، بازیابی و یادگیری، الگوی دیگری برای مدیریت بحران پیشنهاد داده اند (پیرسون و میتراف، ۱۹۹۳: ۴۷ - ۱۷) نقطه ثقل این مدل، مرحله یادگیری است که طی آن می‌توان از تجربیات مدیریت بحران و مواجهه با آن برای تقابل با بحران‌های احتمالی آتی استفاده نمود. لازم به ذکر است که این مرحله در بیشتر الگوهای مدیریت بحران مغفول مانده است.

حضرت امام بر خلاف الگوهای یاد شده و بر پایه تعریف فرآیندی از الگو، رهیافت جدیدی از مدیریت بحران ارائه نمود که به ابعاد آن اشاره خواهد شد.

الگوی مدیریت بحران امام خمینی



۳. مبانی الگوی مدیریتی (بحران‌زدای) امام خمینی

امام خمینی به‌عنوان یک متفکر اسلامی نگاه ویژه‌ای به جهان هستی، انسان و جامعه داشته است.

1. Pearson, C. M., & Mitroff.

در اندیشه امام خمینی همه‌چیز از جمله مدیریت بحران‌های سیاسی و اجتماعی از جهان‌بینی توحیدی بهره می‌برد. به اذعان تحلیلگران، امام خمینی به عنوان مدیری کم نظیر در مدیریت بحران‌ها بوده است. البته درک الگوی مدیریت بحران امام، منوط به فهم فرآیندی از مبانی، اصول حاکم، اهداف و روند مدیریتی ایشان است. در نگاه امام خمینی، انانیت و خودخواهی انسان، منشأ بحران‌ها تلقی شده و معتقد است:

جنگ‌های عالم همه ناشی از انانیت انسانها است. این انانیت در اولیاء نیست و اگر همه اولیاء در جایی جمع شوند، هیچ وقت با هم جنگ نمی‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۲۱)

بنابراین شناخت و جهان‌بینی صحیح بشر، منجر به تزکیه خواهد شد و عدم تزکیه، موجب خود بینی، خود محوری و طغیان انسان و در نهایت باعث ایجاد بحران و گرفتاری در جامعه بشریت خواهد بود. از سوی دیگر در نگرش امام، بحران‌ها و سختی‌های زندگی، آزمایش الهی قلمداد شده و شناخت صحیح، باعث می‌شود انسان رویکردی مثبت به بحران‌ها داشته باشد؛ زیرا موقعیت‌های بحرانی می‌توانند زمینه پرورش و شکوفایی استعداد انسان را فراهم نمایند. به بیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

بدانید درختان بیابانی، چوبشان سخت‌تر و درختان سرسبز، پوستشان نازک‌تر و گیاهان صحرائی آتششان قوی‌تر و خاموشی آنها دیرتر است. (نهج البلاغه، نامه ۴۵)

یک. مبانی معرفت‌شناختی

معرفت‌شناختی علمی است که درباره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع و تعیین ملاک صحت و سقم آنها بحث می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۵۳) امام خمینی در علم معرفت‌شناسی از چهار نوع شناخت عمده برای آگاهی از حقایق جهان نام برده و معتقد است هیچ‌کدام از این چهار نوع شناخت به تنهایی برای شناخت حقایق، کافی نیست. به همین جهت مانند بسیاری دیگر از اندیشمندان اسلامی منابع معرفت و شناخت را متعدّد و ترکیبی از وحی، عقل، قلب، حس و تجربه می‌داند. از آنجاکه مادی‌گرایان بر شناخت تجربی و حسّی صرف تأکید دارند، درک آنها نسبت به پدیده‌ها از جمله پدیده‌های اجتماعی و بحران‌ها ناقص خواهد بود. به سخن حضرت امام خمینی علیه السلام:

مادیون معیار شناخت در جهان‌بینی خویش را حس دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون می‌دانند ... قهراً جهان غیب مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یکسره افسانه می‌دانند، درحالی‌که معیار شناخت در

جهان‌بینی الهی اعم از حس و عقل می‌باشد ... لذا هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱ / ۲۲۲)

پس تکیه صرف بر شناخت حسی و تجربی، به ناکارآمدی در مدیریت بحران منجر خواهد شد؛ زیرا اولاً این نوع از شناخت، قلمرو محدودی داشته و توان درک واقعیت‌ها در خارج از جهان مادی را ندارد. ثانیاً در شناخت حسی، فقط ظواهر و ویژگی‌های بیرونی اشیاء قابل درک است، نه باطن و درون آنها. ثالثاً، شناخت حسی از امتیازات شناخت‌های دیگر محروم است. به عنوان مثال توکل بر خداوند و آرامش که از مهمترین اصول در مدیریت بحران و از ثمرات شناخت شهودی و قلبی است، در این نوع از شناخت وجود ندارد.

دو. مبانی هستی‌شناختی

شناخت شخصیت، آراء و اندیشه‌های متفکران، مستلزم شناخت مبانی هستی‌شناسانه آنها است. هستی‌شناختی امام خمینی برگرفته از جهان‌بینی اسلامی بوده و تأثیر مستقیمی بر الگوی مدیریت بحران ایشان دارد. امام خمینی برخلاف دیدگاه پیروان مکاتب مادی، موجودات را مخلوق خدا دانسته و معتقدند که عالم هستی بر اساس مصالح حکیمانه الهی خلق و به صورت هدفمند استمرار یافته است. بنابراین برای ترسیم الگوی مدیریت بحران امام خمینی باید به توحیدمحوری ایشان و اعتقاد به امدادهای غیبی و ناچیز بودن سایر نیروها در برابر قدرت الهی، به عنوان مهمترین رکن الگوی مدیریتی ایشان اشاره نمود.

هستی‌شناختی الهی آثار فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی و در مدیریت بحران‌ها دارد که ایجاد آرامش و اطمینان خاطر در مدیریت بحران از جمله این آثار است. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح / ۴)؛ اوست خدایی که آرامش را در دل‌های مؤمنین نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیافزاید و سپاهیان آسمان و زمین فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی او هستند و خداوند همواره دانا و حکیم است. با آرامش و اطمینان خاطر است که شخص‌گزینه‌های مختلف را بررسی نموده و در دشوارترین بحران‌ها می‌تواند تصمیم منطقی بگیرد. کسانی که با امام خمینی ارتباط داشته‌اند این امر را از بارزترین ویژگی‌های ایشان برشمرده‌اند. ایشان در مواقع مواجهه با بحران‌ها از آرامشی مثال‌زدنی برخوردار بودند. در فرآیند شکل‌گیری و استمرار انقلاب اسلامی که همراه با بحران‌ها و فراز و نشیب‌های متعدّد بود؛ به طور طبیعی بسیاری از افراد دچار اضطراب می‌شدند، اما امام خمینی همواره آرامش خود را حفظ می‌نمودند. ایشان بعد از سخنرانی پانزده خرداد و در مواجهه با مامورین ساواک

نه تنها هراسی به خود راه ندادند، بلکه پس از آزادی بر این نکته تصریح نمودند که: «والله من به عمرم ترسیده‌ام. آن شبی هم که آنها مرا می‌بردند، آنها می‌ترسیدند من آنها را دلداری می‌دادم.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱ / ۲۹۳) لوسین ژرژ، خبرنگار فرانسوی روزنامه لوموند، نیز در ملاقات با امام خمینی در نجف آرامش و وقار ایشان را مورد ستایش قرار می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳ / ۳۶۷)

توکل و اعتماد به خدا و ترسیدن از غیر او در مدیریت بحران‌ها، از دیگر پیامدهای هستی‌شناختی الهی است. اتکای حقیقی بر قدرت لایزال الهی در مواجهه با بحران‌ها، موجب اتصال به خداوند و در نتیجه سهولت در حلّ بحران خواهد شد. امام با شجاعتی که برگرفته از توکل به خداوند بود، در برخورد با عوامل رژیم بر این نکته تأکید داشتند که «من به خواست خدا، احکام خدا را بیان و کارهای مخالف مصالح مملکت را بر ملا می‌کنم». (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۷۹) ایشان همچنین در جریان پیروزی انقلاب اسلامی در روز ۲۱ بهمن هنگامی که رژیم، حکومت نظامی اعلام کرد، با توکل به خداوند و در تصمیمی شجاعانه، آگاهانه و بجا، دستور به حضور مردم در خیابان دادند که در نهایت همین تصمیم، زمینه پیروزی انقلاب را فراهم نمود.

از دیگر آثار هستی‌شناختی الهی، احساس عزّت، غلبه و اطمینان به موفقیت در مدیریت بحران است. عزّت نفس، باعث ایجاد حس توانمندی و اعتماد به نفس در انسان است. از آنجاکه یکی از مسائل مهم در شرایط بحرانی پرهیز از افکار منفی از جمله یأس و خود باختگی در تقابل با بحران‌هاست، بنابراین انسانی که دلش با پروردگار عالم پیوند خورده، محال است که خوف و ترس در وجودش پدیدار شود؛ زیرا او با همه کاره عالم متصل است. امام از جمله انسانی‌هایی بودند که دلشان را با پروردگار عالم پیوند زده بودند، از این رو هیچ گونه احساس خوف و ناتوانی در وجودشان یافت نمی‌شد و همیشه مواضعشان در برابر بحران آفرینان با عزّت و توأم با اطمینان به پیروزی بوده است. برخی از مواضع و رفتارهای عزّت‌مندانه حضرت امام در تقابل با بحران‌های رخ داده شده به قرار زیر است.

الف) اطمینان امام خمینی به پیروزی انقلاب اسلامی؛

ب) موضع‌گیری قاطعانه در ماجرای اشغال سفارت آمریکا؛

ج) اعلام روز جهانی قدس؛

د) اعلام حکم ارتداد سلمان رشدی.

سه. مبانی انسان‌شناختی

از دیدگاه حضرت امام، انسان موجودی است که از قوه اختیار و عقل برخوردار است. ایشان معتقدند که انسان در بین مخلوقات، تنها موجودی است که هم می‌تواند مانند معصومین علیهم‌السلام به بالاترین مراتب

انسانی رسیده و متصف به صفات خداوندی شود و هم می‌تواند به پایین‌ترین مرتبه سقوط نماید. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳ / ۲۸۵) بر اساس مبانی انسان‌شناختی خاص حضرت امام انسان و جامعه انسانی دارای ویژگی‌هایی است که بحران همواره و به طور طبیعی بر سر راه آن وجود داشته است.

الف) اراده و اختیار انسان

امام خمینی با اشاره به مختار بودن بشر، بیان می‌دارند که انسان می‌تواند با حسن استفاده از اراده و اختیار خود به بالاترین و کامل‌ترین مراتب انسانی رسیده و یا با سوء استفاده از آن به پایین‌ترین درجه انحطاط برسد. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۸ / ۳۲۷) بنابراین بسیاری از فتنه‌ها و بحران‌های جوامع بشری ریشه در اختیار و آزادی انسان‌ها دارد. به عنوان مثال انتخابی که در سقیفه انجام گرفت، یک رفتار اختیاری بود که آثار سوء خود را تا قرن‌ها بجا گذاشت و امت اسلامی را در سقوط و اختلافات عمیق فرو برده و همه حوادث ناگوار بعدی تاریخ اسلام همچون حادثه عاشورا ریشه در سقیفه و مسائل آن داشته است.

ب) عدم تزکیه نفس

از دیگر عوامل ایجاد بحران در زندگی بشر، عدم توجه به تزکیه و تهذیب نفس است. مسئله تهذیب نفس و مبارزه با هواهای نفسانی به قدری اهمیت دارد که از آن به «جهاد اکبر» تعبیر شده و بی توجهی به این مسئله خسارت‌های فراوانی برای انسان و جامعه انسانی به دنبال خواهد داشت.

امام ضمن اشاره به جنگ طلبی قدرت‌های جهانی و تلاش آنها برای تسلط و نفوذ بیشتر بر کشورهای جهان، معتقدند که علت اصلی این جنگ‌ها نبود انسانیت و عدم توجه به اصلاح نفس و پدیدار شدن خوی حیوانی در بشر است. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۷ / ۴۹۴)

ایشان نبود اخلاق و انسانیت به ویژه در سردمداران کشورها را باعث تباهی و هلاکت جوامع بشری دانسته و ضمن اشاره به اهمیت تزکیه نفس معتقدند ریشه همه اختلافات در میان انسان‌ها در واقع به باطن آنها برگشته و طغیان نفس، باعث ایجاد طمع و تجاوز به حقوق دیگران خواهد شد، این در حالی است که افراد خودساخته و متخلق به اخلاق الهی همچون انبیاء، اگر همه باهم جمع شوند، هیچ‌گاه با همدیگر اختلاف نخواهند داشت. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۴ / ۳۹۱)

ج) تقابل جنود عقل و جهل

امام خمینی در کتاب ارزشمند شرح حدیث جنود عقل و جهل معتقدند انسان دارای دو فطرت بوده و از این دو فطرت به «فطرت مخموره» و «فطرت محجوبه» تعبیر می‌نمایند. از دیدگاه ایشان فطرت

اصلی، همان فطرت مخموره بی حجاب است که همه جنود عقل، جنود این فطرت محسوب می‌شوند و هرگاه این فطرت تحت تأثیر گناهان قرار گیرد، به فطرت محجوبه به حجاب طبیعت مبدل گشته و جنود جهل، همگی جنود این فطرت خواهند بود.

از نگاه حضرت امام علیه السلام تقابل این جنود می‌تواند باعث ایجاد بحران‌های بشری و جنگ‌های خانمان‌سوز شود. ایشان ضمن اشاره به انحراف قوه غضبیّه و آثار زیان‌بار آن، معتقدند سبّیت انسان مانند دیگر حیوانات نیست که محدود باشد؛ چرا که ولع انسان به‌گونه‌ای است که اگر همه عالم را نیز بگیرد بدان قانع نخواهد بود و آتش طمعش فرونشیند. از این جهت طغیان قوه غضبیّه ممکن است تمام عالم را بسوزاند. (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۴۶)

۴. اصول حاکم بر الگوی مدیریتی امام خمینی در حل بحران‌های داخلی

مطالعه سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه و همچنین دقت در بیانات حضرت امام بیانگر این واقعیت است که ایشان همواره اصول ثابتی در سیره سیاسی و مدیریتی خود داشته و این اصول به عنوان مبنای حرکت ایشان، بر تمامی تصمیمات و عملکرد ایشان حاکم بوده است. نگاهی گذرا به سیره امام راحل نشان می‌دهد که اصول زیر در مدیریت و رهبری ایشان همواره وجود داشته است:

یک. خدامحوری

خدامحوری مهمترین اصل حرکت کلی ایشان در مدیریت و رهبری جامعه می‌باشد. امام در همه مشکلات و رخدادها از خداوند استمداد جُسته و خواست و رضایت الهی را بر همه چیز مقدّم می‌داشته اند. ایشان همچنین در همه امور نیتشان الهی و همراه با ادای تکلیف بوده است.

امام مصداق واقعی این حدیث شریف بودند که «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۷۹ / ۱۹۷) هر کس کارهای خود را برای رضای خدا انجام دهد؛ خداوند نیز برای او پشتیبان خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

يا علي أوحى الله تبارك و تعالی إلي الدنيا أخدمني من خدمني وأتعبني من خدماك. (کاشانی، ۱۳۶۶: ۱ / ۴۲۳)

ای علی علیه السلام خداوند تبارک و تعالی به دنیا خطاب نمود که ای دنیا در خدمت کسی باش که به من خدمت می‌کند و در رنج و سختی بینداز کسی که به تو خدمت می‌کند.

بنابراین هر کس در راستای رضای خداوند قدم بردارد خداوند نیز کل دنیا را در خدمت او قرار خواهد داد.

نمونه‌هایی از خدامحوری امام خمینی در مواجهه با بحران‌ها

الف) مبارزه با بحران سلطنت

تصمیمات خاصه امام در جریان مبارزات علیه رژیم پهلوی نشان دهنده اتصال ایشان به پروردگار و حاکی از تأثیر قدرت دیگری در روند حوادث انقلاب بوده است. از جمله این موارد، تصمیم قاطع برای بازگشت از پاریس به تهران بود که بعدها مشخص شد اگر امام با تأخیر به کشور بازمی‌گشتند، قطعاً روند حوادث به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و شاید اصلاً انقلاب به پیروزی نمی‌رسید. این نکته نیز بسیار قابل تأمل است که دشمنان می‌توانستند به راحتی در پرواز ایشان اختلال ایجاد نمایند و حتی می‌توانستند هواپیمای حامل امام را در بین راه منفجر کنند، ولی خداوند در آن مقطع دشمنان را به معنای واقعی کلمه کر و کور کرد.

ب) جنگ تحمیلی

بروز جنگ تحمیلی در سال‌های ابتدایی انقلاب، جلوه‌ای دیگر از خدامحوری و مدیریت الهی حضرت امام را نشان داد. امام ضمن دعوت مردم به آرامش و ناچیز شمردن این حمله، به تقویت اعتماد به نفس و خودباوری ملت ایران پرداختند. ایشان در همان ابتدا با ناچیز خواندن این بحران به مردم سفارش کردند که نگران نباشند؛ چرا که «دزدی آمده و سنگی انداخته و فرار کرده». (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳ / ۲۲۴) این جمله باعث شد دریایی از شعله‌ها و احساسات منفی با راهبری و هدایت ایشان خاموش شده و آرامش بر کشور حاکم گردد.

ج) کمبود امکانات نیروی هوایی در جنگ

مقام معظم رهبری با ذکر خاطره‌ای از روزهای آغازین مبنی بر اینکه کارشناسان نظامی به ایشان خبر دادند به دلیل کمبود قطعات، هواپیماهای جنگی ما تا ده روز یا پانزده روز یا نهایتاً سی روز دیگر امکان پرواز دارند و شما برای این مشکل از حضرت امام کسب تکلیف کنید. می‌فرمایند:

وقتی این مطلب را به امام عرض کردم فرمودند: این حرف‌ها چیست؟ بروید بجنگید خدا می‌رساند، درست می‌کند، هیچ‌طور نمی‌شود ...، آدمم به اینها ... گفتم امام فرمودند که بروید همین‌ها را هرچه می‌توانید تعمیر کنید، درست کنید و اقدام کنید. همان هواپیماهایی ... که قرار بود بعد از چند روز به کلی از کار بیفتند، هنوز دارد تو نیرو هوایی ما کار می‌کند. بیست و نه سال از سال ۵۹ می‌گذرد، هنوز دارند کار می‌کنند (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۵/۵)

این نتیجه نگاه توحیدی و توکل بر خداوند است. همان‌طور که قرآن کریم وعده صادق خداوند را بیان می‌نماید که «وَكَيْنُصْرُنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج / ۴۰) بدون تردید خداوند کسانی را که در راه او قدم گذاشته و دین او را یاری کنند، نصرت خواهد نمود.

دو. مردم‌محوری

دومین اصل محوری که در اندیشه و سیره امام به وضوح نمایان است، مردم‌محوری است. ویژگی‌های شخصیتی حضرت امام به عنوان یک رهبر الهی به گونه‌ای بود که با گفتارشان می‌توانستند میلیون‌ها نفر را به اطاعت از خود درآورده و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و سازوکارهای برانگیزاننده، به بسیج توده‌ها و نیروها جهت دفع تجاوز دشمن پردازند.

امام همواره تأکید داشتند که حضور مردم تنها راه برون رفت از همه مقاطع بحرانی نظام از جمله جنگ تحمیلی، فتنه‌ها، توطئه‌ها و کودتاها خواهد بود. از نگاه امام علیه السلام:

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشند؛ آن رژیم از بین نخواهد رفت. اینکه رژیم سابق از بین رفت، برای اینکه پشتیبان نداشت؛ ملت پشتیبانش نبود؛ ملت پشت به او کرد، بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۸ / ۳۷۱)

سیره و سخنان حضرت امام بیانگر این است که ایشان انقلاب را از آن مردم دانسته و معتقدند قوی‌ترین پشتوانه برای انقلاب نیز همان مردمند. بنابراین تا زمانی که مردم، انقلاب را از آن خود بدانند، حافظ و پشتیبان آن خواهند بود.

ایشان در طول دوران رهبری خود توانستند بحران‌های فراوانی را به کمک مردم، مدیریت نمایند که از میان همه آنها دو بحران بسیار حائز اهمیت بوده است. اولین بحران، حکومتی مستبد و وابسته به بیگانگان؛ یعنی نظام شاهنشاهی در ایران بود که امام با الهام از معارف ناب اسلام و با تأسی به پیامبران و ائمه هدی علیهم السلام توانستند مردم را به صحنه کشانده و نهضتی را به پیروزی رسانند که ثمره آن تأسیس نظام جمهوری اسلامی بوده است. دومین بحران که به صورت ناجوانمردانه و تحمیلی از سوی کسانی آغاز گردید که با پیروزی انقلاب، منافعشان را از دست رفته می‌دیدند، جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ملت ایران بود که در این بحران نیز حضرت امام توانستند با بسیج توده‌های مردم، برانگیختن حس مسئولیت‌پذیری و خودباوری و تقویت روحیه ایثار و از خودگذشتگی در ملت، به بهترین شکل ممکن، جنگ تحمیلی را مدیریت نمایند.

سه. قانون محوری

قانون‌مداری سؤمین اصل حاکم بر اندیشه امام خمینی است. در همه دوران‌های حیات سیاسی و فکری امام، عمل به قانون و رعایت آن مسئله‌ای است که به وضوح دیده می‌شود. حتی در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۴۰ که اولین جرّقه‌های مخالفت ایشان با رژیم آغاز می‌شود، استدلال امام در اعتراض به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مخالفت این لایحه با قانون اساسی مشروطه بوده است. ایشان همچنین در تقابل با بسیاری از بحران‌ها از جمله مسئله اشغال سفارت آمریکا و در اوج بحران، قائل به حلّ آن از طُرُق قانونی و احاله آن به مجلس شورای اسلامی بودند.

واگذار نمودن مسئله گروگان‌های آمریکایی به مجلس شورای اسلامی

با توجّه به مؤلفه‌های گفته شده برای بحران، می‌توان مسئله گروگان‌های آمریکایی را از مصادیق بحران دانست. پس از تسخیر لانه جاسوسی، آمریکا فشارهای بین‌المللی را بر ایران افزایش داد و با طرح آن در صحنه بین‌المللی به دنبال انزوای ایران بود تا بتواند حیل‌ها و فشارهای بعدی خود را علیه ایران توجیه نماید. حضرت امام در اوج این بحران، حلّ آن را به مجلس واگذار نمودند. از آنجاکه از دیدگاه ایشان مردم صاحبان اصلی انقلاب قلمداد می‌شوند، پس در این بحران نیز رأی و نظر نمایندگان مردم برای حضرت امام بسیار مهم بوده و موضوعیت داشته است. بدین ترتیب حضرت امام علی‌رغم اینکه می‌توانستند با قدرت مدیریت و تصمیم‌گیری بالای خود بهترین راهکار را برای حلّ این بحران ارائه نمایند، یکبار دیگر قانون‌مداری و تکیه خود بر ساختارهای قانونی کشور را بر همگان روشن نمودند.

چهار. رشد و تربیت اخلاقی

اصل محوری چهارم در الگوی مدیریتی امام خمینی، رشد و تربیت اخلاقی جامعه است. حضرت امام شخصیتی است که در طول دوران رهبری، اخلاقیات و ارزشهای الهی بر عملکردشان حاکم بوده است. در اندیشه و عملکرد ایشان قدرت موضوعیت نداشته، بلکه آنچه مهم است این است که از بحران‌های پیش آمده در راستای رشد و آگاهی مردم و هدایت بحران‌آفرینان بتوان استفاده نمود. از دیدگاه امام خمینی حکومت، نقش مؤثری در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند که از جمله مهمترین آن نقشها، وظیفه حکومت در رشد و اعتلای بینش اخلاقی و فکری جامعه و رساندن مردم به کمال و سعادت می‌باشد. سیره امام نیز بیانگر این است که از دیدگاه ایشان در بسیاری از شرایط بحرانی، حل فوری بحران و استفاده از اختیارات قانونی ولی فقیه، لزوماً اولویت نداشته، بلکه آنچه که اهمیت

بیشتری دارد، تبدیل بحران به فرصت و استفاده از شرایط بحرانی در راستای ارتقای رشد فکری، تقویت بصیرت و پیش مردم و هدایت آنهاست. نمونه‌هایی از این اصل محوری چنین فهرست می‌شود:

الف) حل بحران دولت بنی‌صدر

در ماجرای بنی‌صدر هرچند که امام از ابتداء با انتخاب ایشان مخالف بوده و بعدها بر این مطلب قسم یاد نمودند، به دلیل احترام به رأی مردم، با وی مدارا و مماشات نموده و حتی به حمایت از او پرداخته تا شاید متنبه شده و بدین وسیله بتوانند از انحرافات بیشتر او جلوگیری نمایند. اما وقتی مدارا با او نتیجه‌ای نداشت، حضرت امام ضمن پرهیز از برخورد دفعی با او سعی نمودند، با روشنگری و آگاهی بخشی نسبت به خط فکری بنی‌صدر و جریان لیبرال حامی وی، رشد سیاسی مردم را ارتقاء داده تا به تدریج زمینه برای برکناری او بر اساس مکانیسم‌های قانونی فراهم شود. (روانبخش، ۱۳۸۲: ۱۱۲)

ب) تحقیر نژادپرستی در اشغال لانه جاسوسی

دو هفته پس از اشغال لانه جاسوسی، حضرت امام در رویکردی انسان دوستانه با این استدلال که زنان و سیاه‌پوستان، در ردیف مستضعفین جامعه آمریکا بوده و ناخواسته به چنین مأموریت‌هایی اعزام می‌شوند، دستور آزادی آنها را صادر نمودند. این اقدام حضرت امام در دوره‌ای که عصر حاکمیت نژادپرستی، آپارتاید و تبعیض نژادی جوامع غربی علیه زنان و سیاه‌پوستان بود، نشانگر توجه ویژه اسلام به حقوق زنان، مستضعفان و ستم‌دیدگان بود. حرکت کاملاً اسلامی و بشردوستانه امام خمینی آن قدر با ارزش و خارج چشم دشمن بود که داعیه‌داران حقوق بشر هیچ گاه به آن نپرداختند. حضرت امام ضمن حل این بحران، برخی از مهمترین اصول اخلاقی اسلام؛ یعنی اهمیت و جایگاه ویژه زن در مکتب اسلام، حمایت از مستضعفین و مقابله با هرگونه تبعیض نژادی را در قالب پیام انقلاب اسلامی به جهانیان منتقل نمودند.

ج) رعایت مصالح نظام اسلامی

آخرین اصل حاکم بر الگوی مدیریتی امام خمینی، رعایت مصالح نظام اسلامی است. ایشان علاوه بر این که در بُعد نظری اهمیت فراوانی برای مصلحت قائلند، در عمل نیز آن را محقق نموده و برای گره‌گشایی و تسهیل امور در بن‌بست‌ها و مشکلات کشور، دستور تأسیس نهادهای به عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام را صادر نمودند. از دیدگاه امام خمینی از آنجاکه هر بحرانی با تنازع و تضاد مصلحت‌ها توأم می‌باشد، بنابراین تصمیم‌گیری‌ها باید به گونه‌ای باشد که در نهایت مصلحت نظام را تأمین کند نه اینکه مصلحت گروه‌ها و احزاب و یا منافع شخصی صاحبان قدرت تأمین شود.

یکی از مهمترین نمونه‌های رعایت مصلحت نظام اسلامی در شرایط بحرانی در سیره حضرت امام حل بحران مسئله قائم مقامی است که بدان اشاره می‌رود.

د) مسئله قائم مقام رهبری

یکی از بحران‌های تاریخی و حساسی که نظام جمهوری اسلامی در دهه اول عمر خود تجربه نمود، موضوع قائم مقامی رهبری و عزل آیت‌الله منتظری از این سمت بود. مواضع و عملکرد نادرست آیت‌الله منتظری از جمله حمایت از باند تروریستی مهدی هاشمی و حمایت از منافقین، در کنار ویژگی‌هایی خاصی همچون تأثیرپذیری از اطرافیان، ساده لوحی، لجاجت و ... که می‌توانست چالش بسیار بزرگی برای نظام ایجاد کند، باعث شد تا حضرت امام با در نظر گرفتن مصالح نظام اسلامی، دستور برکناری ایشان را از قائم مقامی رهبری صادر نموده و نشان دهند که در دفاع از انقلاب و مصالح نظام با هیچ کس و هیچ مقامی و لو حاصل عمرشان مسامحه نمی‌کنند. امام همچنین با این اقدام اجازه نداد که جامعه اسلامی در آینده از طریق بیت ایشان در اختیار لیبرال‌ها و منافقین قرار گیرد.

۵. اهداف امام خمینی در مدیریت بحران

هر نظام سیاسی با توجه به مبانی فکری و فلسفی خود، نگاه مستقل و ویژه‌ای به انسان و جهان دارد و بر اساس همین مبانی، اهداف و مسائل کلان خود را دنبال می‌کند. نظام اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و اهدافی را دنبال می‌نماید. اهداف نظام اسلامی به دو دسته قابل تقسیم است: دسته اول اهداف مختص نظام اسلامی همچون تکامل انسان و رشد و تعالی او. دسته دوم نیز اهدافی است که نظام اسلامی در آنها با سایر نظام‌ها مشترک است و از آن دسته اهداف می‌توان به تأمین امنیت و حفظ نظم اشاره نمود.

در نظام اسلامی هدف از حل بحران نیز به طور طبیعی تابعی از اهداف کلان نظام اسلامی است، بنابراین نظام اسلامی تلاش می‌کند تا ضمن حل بحران، اهداف کلان خود را نیز تأمین نماید. با بررسی و تحلیل سیره امام خمینی، می‌توان گفت ایشان در مدیریت بحران‌های جمهوری اسلامی اهداف ذیل را دنبال می‌نموده‌اند.

یک. رشد و تعالی جامعه

از آنجاکه هدف نظام اسلامی اقامه ارزش‌هاست، در مواجهه با بحران نیز همواره این هدف را در نظر داشته و بحران‌ها و فتنه‌ها را زمینه‌ساز تربیت، پرورش و خودسازی مردم می‌داند. در مقاطع بحرانی

دوره حضرت امام نیز تلاش ایشان همواره بر این بود که در فرآیند حل بحران، علاوه بر رشد فکری جامعه و هوشیار شدن مردم، عوامل اصلی بحران نیز نجات یافته و هدایت شوند. ایشان هم در فتنه آیت الله شریعتمداری و هم در فتنه قائم مقام رهبری همواره کوشش می‌نمودند ضمن حفظ شخصیت و اعتبار این دو، در جهت بازگشت و اصلاح رفتار آنها تلاش نموده و همان‌گونه که پیامبر اکرم ﷺ با خلق عظیم خود، در جهت هدایتگری مخالفان قدم برمی‌داشت، با سعه صدر و حلم و مدارا با مخالفان سعی در اصلاح رفتار آنها می‌نمودند. امام البته ضمن پرهیز از برخورد دفعی با آنها به روشنگری و آگاهی بخشی برای مردم نیز پرداخته و مردم را نسبت به خطرهای ناشی از این دو فتنه آگاه می‌نمودند تا به تدریج زمینه برای برخورد و پایان حیات سیاسی آنها را فراهم نمایند.

دو. حفظ نظام اسلامی

بررسی سیره حضرت امام بیانگر این است که حفظ نظام اسلامی، یکی از اصلی‌ترین اهداف ایشان در مدیریت بحران‌هاست؛ زیرا حفظ نظام از یک سو مانع از ایجاد هرج و مرج شده و از سوی دیگر حفظ نظام دفاع از اساس اسلام است؛ زیرا اصولاً هدف از تشکیل حکومت و نظام اسلامی، اجرای احکام اسلام، حفظ ثغور کشور اسلامی، اجرای حدود و استقرار فرهنگ اسلامی و ترویج آن است و از آنجاکه تحقق این امور بدون وجود نظام اسلامی امکان پذیر نیست، بنابراین حفظ نظام بخاطر اهداف و مصالح بزرگتر، اهمیتی مضاعف پیدا خواهد کرد. چنان‌که می‌فرمود:

اجرای احکام خداوند بدون وجود حکومت امکان‌پذیر نیست تا این که هرج و مرج لازم نیاید مضاف بر این که حفظ نظام از واجبات مؤکد و از هم گسیختگی امور مسلمانان از امور ناپسند است. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۴۶۱)

سه. تأمین امنیت و حفظ نظم عمومی

تأمین امنیت یکی از مهمترین اهداف مدیریت بحران در تمامی الگوها و روش‌های آن است. بررسی الگوی مدیریتی امام خمینی ره بیانگر این است که از دیدگاه ایشان تأمین امنیت و حفظ نظم جامعه اسلامی یکی از اصلی‌ترین اهداف ایشان در مدیریت بحران‌ها بوده و در این راستا لازم است به محورهای ذیل توجه نمود:

الف) تأمین امنیت در راستای حفظ نظام ارزشی جامعه

پویایی معنوی و سیاسی یک جامعه به حاکم بودن ارزش‌های اخلاقی و دینی پذیرفته شده در آن جامعه بستگی دارد. از سوی دیگر عدم توجه به این ارزش‌ها و عناصر، که شکل‌دهنده و سازنده

انقلاب بوده‌اند می‌تواند همچون غباری روی حقیقت و گوهر آن را پوشانده و غیر از خسارتی که به عقاید و باورهای اسلامی و انقلابی افراد وارد می‌سازد، زمینه ساز نفوذ فرهنگ وارداتی و ارزش‌های بیگانه به جامعه اسلامی خواهد شد. در نتیجه ارزش‌های وارداتی می‌توانند بتدریج در متن فرهنگ جامعه نفوذ کرده و از درون مقاومت افراد را در برابر مفاسد و زشتی‌ها کمرنگ نمایند. از همین رو حفظ نظام ارزشی جامعه اهمیتی مضاعف خواهد داشت. اینک به برخی از مهمترین بحران‌هایی که نظام ارزشی جامعه در زمان حضرت امام را تهدید می‌نمود و نوع مواجهه ایشان اشاره می‌شود.

یک. از جمله مهمترین بحران‌هایی که نظام ارزشی جامعه و مرزهای عقیدتی آن را هدف قرار داده بود می‌توان به خطر نفوذ لیبرالیسم اشاره نمود. جبهه ملی و نهضت آزادی دو گروه سیاسی لیبرال در ایران بودند که با نفوذ در دولت موقت برای استحاله ماهیت انقلاب اسلامی تلاش می‌کردند. اما آشکار شدن مواضع آنها و تضاد فکری آنان با مبانی و ارزش‌های اسلامی و علنی شدن نگاه لیبرالیستی آنان باعث برخورد قاطع حضرت امام با این دو جریان و محو آنان برای همیشه از صحنه سیاسی کشور گردید.

دو. توطئه کتاب آیات شیطانی نیز یکی دیگر از همین بحران‌ها بود که امام خمینی بلافاصله نسبت به آن واکنش نشان داده و با صدور پیامی قاطع، این توطئه بزرگ فرهنگی را خنثی نمودند.

ب) تأمین امنیت شهروندان جامعه اسلامی

یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند امنیت اجتماعی را به مخاطره بیندازد، عملکرد گروهک‌ها و تشکلهای سیاسی و بعضاً مسلحی است که با نهاد سیاسی کشور مخالف بوده و به عنوان اپوزوسیون به فعالیت تخریبی می‌پردازند. از مهمترین گروهک‌های سیاسی بحران آفرین که نقش مهمی در ناامنی جامعه در دوران رهبری حضرت امام داشتند، می‌توان به سازمان مجاهدین خلق اشاره نمود. آنها با درگیری‌های مسلحانه، بمب گذاری و ترورهای گسترده، فضای بسیار ناامنی را در جامعه ایجاد نمودند. حضرت امام در گام اول، ضمن ایجاد آرامش، ترورها را بی نتیجه خوانده و به جوانان و اعضای اغفال شده سازمان نصیحت کرده که به آغوش ملت بازگردند. در گام بعدی، ایشان به روشنگری برای مردم پرداخته و ضمن منافع خواندن سازمان، ضرر آنها را از کفّار نیز بیشتر دانستند. (امام خمینی، ۱۳۸۹ / ۱۲ / ۴۷۰) در نهایت نیز با صدور حکم محارب برای منافقین، طومار آنها را برای همیشه در هم پیچیدند.

ج) تأمین امنیت در مواجهه با نفوذ و دخالت نیروهای خارجی

پیروزی انقلاب اسلامی به تحولات عمیقی در حوزه مسائل سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه منجر

گردید که مهمترین آنها از دست رفتن منافع قدرت‌های استکباری، کوتاه شدن دست آنها از سرمایه‌های ملی ایران و به خطر افتادن موجودیت رژیم صهیونیستی بود. دشمنان و در رأس آنها آمریکا از همان آغاز انقلاب تلاش کردند که با روش‌های مختلف، انقلاب اسلامی را ساقط نموده، براندازی نظام را عملی نمایند. یکی از مهمترین سناریوهای دشمنان برای سرنگونی انقلاب، سناریوی نفوذ بود که با بهره‌گیری از عناصر داخلی در صدد این بودند که بتوانند در کشور رخنه نموده و قدم به قدم به اهداف خود نزدیک شوند.

کودتای نوژه از مهمترین پروژه‌های دخالت و نفوذ دشمنان بود که در سال ۱۳۵۹ با همکاری گروهی از افسران نیروی هوایی و با هماهنگی عوامل شاپور بختیار و آمریکا برای سرنگونی نظام آغاز گردید. آنها با نفوذ در نیروی هوایی و اطلاعات ارتش موفق به جذب ده‌ها تن از پرسنل و خلبانان شده و قرار گذاشتند با بمباران چند نقطه حساس از جمله بیت حضرت امام، عملیات کودتا را آغاز نمایند. اما سه روز مانده به کودتا یکی از خلبانان با حضور در نزد آیت‌الله خامنه‌ای به افشای کودتا می‌پردازد و چند ساعت بعد نیز یکی دیگر از درجه‌داران با حضور در ستاد مشترک، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار نیروهای انقلاب می‌گذارد. این کودتا به وسیله دو نفر که از اقدام یکدیگر بی‌اطلاع بودند افشا می‌شود، اما این اقدام در واقع ترجمانی از اراده یک ملت انقلابی بود که برای دفاع از انقلابشان صورت می‌گرفت. (الفت‌پور، ۱۳۹۴: ۶۰) به تعبیر دیگر تحوّل روحی مردم ایران و خداآوری آنان و در یک کلمه اعتقادات و باورهای دینی مردم که از مبانی اسلامی و فرمایشات حضرت امام نشئت گرفته بود، نقشه‌های دشمن را یکی پس از دیگری خنثی می‌نمود.

بدین ترتیب حضرت امام با درایت و هوشمندی و استفاده از اعتقادات دینی مشترک میان مردم و نیروهای مسلح و برجسته نشان دادن آنها توانستند اقدامات پیشگیرانه‌ای در جهت مدیریت بحران‌ها و کودتاهای احتمالی از سوی ارتش و نیروهای نظامی اتخاذ نمایند.

نتیجه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، الگوی جدیدی از مدیریت و حکومت داری را با محوریت تعالیم الهی و حضور پررنگ مردم برای جهانیان ترسیم نمود. در این میان امام خمینی دارای نقش محوری و برجسته‌ای بوده و توانستند با ارائه الگوی نوینی از مدیریت، بر بحران‌های رخ داده شده فائق آیند.

بر پایه این پژوهش، یکی از مهمترین تفاوت‌های الگوی مدیریتی امام خمینی با سایر مدل‌های مدیریت بحران، بهره‌گیری از جهان‌بینی اسلامی و مبانی اصیل معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و

انسان‌شناختی اسلامی است. از دیدگاه امام، مدیریت بحران نیاز به شناخت صحیح از جهان دارد و این شناخت نیز همان معرفت‌شناختی توحیدی است. از سوی دیگر بر اساس هستی‌شناختی اسلامی، امام، مبدأ هستی را خداوند دانسته و معتقدند در صورتی که انسان در مسیر او قدم بردارد، خداوند نیز در بحران‌ها به واسطه امدادهای غیبی او را نصرت خواهد نمود. همچنین بر اساس انسان‌شناختی خاص ایشان، انسان دارای ویژگی‌هایی است که این ویژگی‌ها موجب شده است بحران همواره در جوامع وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر این ویژگی‌ها می‌توانند زمینه و بستر ایجاد بحران را فراهم نمایند.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان به نتایج ذیل درباره موضوع مورد پژوهش اشاره نمود:

۱. الگوی مدیریت بحران در اندیشه حضرت امام با بسیاری از الگوهای رایج در مدیریت بحران، تمایز بنیادین و اساسی دارد. الگوی مدیریت بحران در اندیشه امام خمینی متأثر از چگونگی مدیریت بحران در سیره و روش پیامبران الهی به ویژه پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه اطهار(ع) می‌باشد.
۲. الگوی مدیریت بحران امام خمینی در ساحت مبانی، برپایه خدامحوری، معرفت‌شناختی اسلامی، ارزش‌شناختی اسلامی و تعریفی است که شریعت اسلام از انسان ارائه می‌نماید. براین اساس مبانی مدیریت بحران که در چگونگی حل بحران تأثیرگذار است؛ تفاوت اساسی با مدیریت بحرانی دارد که در رفتار سیاست‌مداران دنیای معاصر قابل مشاهده است
۳. سومین متغیر تأثیرگذار در چگونگی مدیریت بحران در سیره و اندیشه حضرت امام خمینی، متأثر از مبانی معرفت‌شناختی و تأثیری است که از رویکرد عرفانی و شهودی ایشان مایه می‌گیرد. بی تردید این نگرش نسبت به بحران‌های حادث شده در جمهوری اسلامی ایران، روش و راه حل خاصی را فراروی امام خمینی قرار می‌دهد.
۴. با توجه به مؤلفه‌ها، مبانی و اهداف یاد شده طبیعی است که مدیریت بحران در اندیشه امام خمینی، ابتداءً از اصول خاصی تبعیت کند که این اصول نیز تمایز اساسی با شیوه مدیریت بحران در اندیشه سیاسی معاصر دارد. زیرا مدیریت بحران در اندیشه معاصر؛ اولاً رویکردی سکولار به انسان، مبانی، نظام هستی و معرفت‌شناختی داشته و دارد. همچنین، اهدافی که سکولاریسم، برای مدیریت بحران در نظر می‌گیرد نیز صرفاً بعد مادی یعنی معیشت و امنیت را در بر خواهد گرفت.
۵. نتیجه آنکه مدیریت بحران در سیره و اندیشه امام خمینی در مبنا، غایت و اصول، متمایز از چگونگی مدیریت بحران در اندیشه معاصر می‌باشد و ضروری است ابعاد این مسئله مورد کاوش قرار گیرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. اعرابی، سید محمد، ۱۳۹۲، *الگوهای فرآیندی و نتیجه‌ای در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران، انتشارات معاونت برنامه ریزی دفتر ریاست جمهوری.
۲. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۹۳، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۰، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. امیرکبیری، علیرضا، ۱۳۷۶، «مدیریت بحران»، *ماهنامه تدبیر*، ش ۷۸. ص ۳۵ - ۳۱.
۶. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۸، *پژواک ولایت*، قم، دفتر نشر معارف.
۷. درویشی سه‌تلانی، فرهاد، ۱۳۸۷، *سیره عملی امام خمینی در اداره کشور*، تهران، انتشارات عروج، وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. ربیعی، علی، ۱۳۸۵، *جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. ربیعی، علی؛ محمدتقی امینی و اعظم سرافرازی، ۱۳۹۲، «توسعه الگوی مناسب تصمیم‌گیری تحت شرایط بحران سازمانی»، تهران، *فصلنامه علمی پژوهشی بهبود مدیریت*، ش ۴، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.
۱۰. روانبخش، قاسم، ۱۳۸۲، *بازخوانی پرونده یک رئیس جمهور*، قم، انتشارات همای غدیر.
۱۱. روشن دل اربطانی، طاهر؛ علی اصغر پورعزت و آرین قلی‌پور، ۱۳۸۷ «تدوین الگوی جامع فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانش انتظامی*، دوره ۱۰، ش ۲، ص ۸۴ - ۶۰.
۱۲. عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات اشجع.
۱۳. الفت‌پور، علی، ۱۳۸۹، *چهل تدبیر*، تهران، نشر پرستا.
۱۴. فوزی، یحیی، ۱۳۸۵، *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۶۶، *تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين*، ج ۱، تهران، انتشارات میقات.
۱۶. گرجی، ابراهیم و سجاد بختیاری، ۱۳۸۸، *مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، انتشارات ثالث.

۱۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۶، *بحار الانوار*، ج ۷۹، تهران، انتشارات اسلامیه.
۱۸. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۴، *مدیریت بحران در جمهوری اسلامی ایران*، قم، دفتر نشر معارف.
۱۹. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، *آموزش فلسفه*، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، صدرا.
۲۱. مک‌کارتی، شاون، ۱۳۸۱، *نقش اطلاعات در مدیریت بحران*، مترجم محمدرضا تاجیک، تهران، فرهنگ گفتمان.

22. www.tasnimnews.com, ۲۷ آبان ۱۳۹۴.

23. www.imam_khomeini.ir, ۲۶ تیر ۱۳۹۷.

24. Leechat, M, 1990, "The international decade for natural disaster", *reduction Back - ground objectives disasters*, Vol. 14, No. 1.

25. Mitroff, 2001, "Strategic management of corporation crisis", *Columbia Journal of world Business*, vol 6.

26. Mitroff, Ian I.; Paul Shrivastava, 1978, Udwardia; "Effective Crisis Management", *Academy of Management Executive Journal*, Vol. 1; P. 60.

27. Pearson, C. M. , & Mitroff, I. I., 1993, "From crisis prone to crisis prepared: a frame work for crisis management", *Academy of Management Executive*, 7 (6): 47 – 17.

